

واکاوی نقش هیئت‌ها و مجالس مذهبی شهری در انقلاب اسلامی

حسین کاوشی^۱

چکیده

پس از تبعید امام خمینی، فشار بر مخالفان حکومت پهلوی و انقلابیون افزایش یافت. هیئت‌ها و مجالس مذهبی از جمله در شهری، توسط انقلابیون به عنوان یکی از پایگاه‌های تجمع مبارزان، تبادل اخبار و تصمیم‌گیری‌ها، مورد بهره‌برداری قرار گرفتند و نقش مهمی در پیروزی نهضت اسلامی ایفا کردند. روش مورد استفاده در این پژوهش کیفی و از نوع مطالعات تاریخی و اسنادی بوده و با برخی از دست‌اندرکاران هیئت‌ها مذهبی مورد مطالعه مصاحبه نیز انجام شده است. پژوهش حاضر با بررسی فعالیت‌های هیئت‌ها و مجالس مذهبی شهری، درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا هیئت‌ها و جلسات مذهبی شهری علاوه بر نقش سنتی خود، کارکردهای سیاسی و انقلابی در دوران نهضت اسلامی داشته‌اند؟ یافته‌های تحقیق در پاسخ به این سؤال مبتنی بر آن است که پس از قیام ۱۵ خرداد و سیاسی‌شدن برخی اعضای هیئت‌ها، در الگوی سنتی هیئت‌ها، تغییرات جدیدی پدید آمد. به طوری که این تغییرات زمینه‌ای برای ایجاد یک محفل و به تدریج یک تشکل سیاسی شد. دستگاه اطلاعاتی رژیم شاه نیز با اطلاع از این امر، با گماردن مأموران خود در این مراکز سعی در جمع‌آوری اخبار و جلوگیری از اقدامات آنان داشت، اما این هیئت‌ها و مجالس مذهبی، به یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تبلیغ آموزه‌های نهضت اسلامی تبدیل شدند و به عنوان یکی از شبکه‌های سازماندهی در کنار سایر سازمان‌ها، در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی دارای نقش و کارکردهای مهم و متنوعی بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: هیئت‌های مذهبی، مجالس مذهبی، شهری، ساواک، حکومت پهلوی.

۱. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران. ایران. hkhavoshi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ نوع مقاله: ترویجی

Analyzing the role of Shahr Ray religious councils and councils in the Islamic revolution

Hossein Kavoshi ^۱

Abstract

After the exile of Imam Khomeini, the pressure on the opponents of the Pahlavi government and the revolutionaries increased. Religious councils, including in Shahrari, were exploited by the revolutionaries as one of the gathering bases of fighters, exchange of news and decisions, and played an important role in the victory of the Islamic movement. The method used in this research is qualitative and of the type of historical and documental studies, and interviews were also conducted with some of the religious representatives involved in the study. By examining the activities of urban religious councils, the present research aims to answer the question whether urban religious councils had political and revolutionary functions in addition to their traditional role during the Islamic movement. The findings of the research in answering this question are based on the fact that after the June 15 uprising and the politicization of some members of the delegations, new changes emerged in the traditional model of the delegations. So that these changes became the basis for creating a circle and gradually a political organization. Knowing about this, the intelligence service (SAVAK) of the Shah's regime also tried to collect news and prevent their actions by assigning its agents to these centers, but these delegations and religious assemblies became one of the most important bases for propagating the teachings of the Islamic Movement, and as one of the organizational networks, along with other organizations, in the process of the formation and victory of the Islamic Revolution, it had important and diverse roles and functions.

Keywords: Religious delegations, religious assemblies, Shahr Ray, Savak, Pahlavi government

^۱ . Master of History, Shahid Beheshti University, Tehran. Iran

مقدمه

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های نظام سیاسی حاکم بر کشور، در نخستین سال‌های دهه ۱۳۴۰ش، گرایش روزافزون شاه به استبداد بیشتر و ایجاد انسداد سیاسی و به تبع آن از میان برداشتن مخالفان و منتقدان مسالمت‌جوی سیاسی بود. در این میان ساواک بیش از هر ابزار دیگری می‌توانست بر این خوی ناصواب و غیراصولی حکومت، که از پشتیبانی حامیان خارجی خود (و به‌ویژه امریکا) نیز سود می‌برد، پاسخ مساعد دهد. رژیم آشکارا نشان داده بود که از مردم فاصله گرفته و برای بقا و ادامه حیات خود، جز بهره‌گیری از سیاست سرکوب و نادیده گرفتن حقوق مخالفان، مشی دیگری پیش روی خود نمی‌بیند. رژیم حتی خود را به اجرای کمترین بخش از قانون اساسی مشروطیت و اجرای دیگر قوانین موضوعه مقید نمی‌دانست و حفظ و تکریم حقوق اساسی مردم ایران بندرت برای حاکمان مفهوم داشت. قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نقطه عطفی در گرایش حکومت به روش‌های خشن و ایجاد فاصله‌ای پرنشدنی بین رژیم با مردم بود. در جریان این واقعه، شاه و حامیان او متوجه شدند که دیگر امکان هرگونه مصالحه و سازش احتمالی با مخالفان از بین رفته است، بنابراین تنها از طریق سرکوب‌های پایان‌ناپذیر ساواک بود که رژیم قادر شد به حیات خود ادامه دهد. فاصله زمانی سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ سال‌های سرنوشت برای مبارزین بود. با تبعید امام خمینی اختناق افزایش یافت و سرکوب مخالفان توسط رژیم، عرصه را بر مبارزان تنگ کرد. با وجود آنکه ساواک در تعقیب مخالفان سیاسی از اختیارات بسیاری برخوردار بود و هیچ محدودیتی نداشت، اما جرأت مخالفت با مراسم مذهبی و جلوگیری از برگزاری آنها را نداشت. بنابراین، انقلابیون از مراسم مذهبی به‌عنوان پوششی برای فعالیت‌های سیاسی و مخفی‌سازی تکاپوهای انقلابی خود بهره‌برداری می‌کردند. این مسئله موجب شد که هیئت‌های مذهبی جایگاه مهمی در نهضت اسلامی ایفا کنند و امام خمینی رهبر و نظریه‌پرداز انقلاب، مشوق تشکیل و گسترش فعالیت‌های مذهبی و مجالس عزاداری باشد.

با توجه به جایگاه قابل توجه هیئت‌ها و جلسات مذهبی در روند پیروزی انقلاب اسلامی و محدودیت‌هایی که ساواک برای فعالیت‌های انقلابیون ایجاد می‌کرد، این تحقیق به بررسی کارکردهای سیاسی، انقلابی و مرتبط با نهضت اسلامی خواهد پرداخت. البته پرداختن به برخی از هیئت‌ها و جلسات مذهبی شهری در این تحقیق به منزله عدم فعالیت دیگر هیئت‌ها و جلسات مذهبی نیست بلکه دسترسی به اسناد موجود و افراد مطلع، ملاک این گزینش بوده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه فعالیت هیئت‌های مذهبی در شهری نیز تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است. درباره موضوع تحقیق حاضر، در دو اثر درباره انقلاب اسلامی در شهری، مطالبی وجود دارد. اولین اثر *انقلاب اسلامی در شهری* تألیف حسین کاوشی که در دو جلد در سال ۱۳۹۱ به همت انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است و دومین اثر شهری در *انقلاب* تألیف مراد سلیمانی که سال ۱۳۹۴ توسط مؤسسه چاپ و نشر عروج منتشر شده است. این آثار تلاش کرده‌اند روند انقلاب اسلامی را به شکلی مستند و با استفاده از تاریخ شفاهی و اسناد ثبت نمایند و کمتر به تحلیل در موضوعات پرداخته‌اند. تحقیق حاضر تلاش کرده است موضوع مورد تحقیق را با استفاده از برخی اسناد و مصاحبه‌های تکمیلی بررسی نماید.

۱- هیئت‌های مذهبی در دوران پهلوی دوم

سال‌های آغازین سلطنت پهلوی دوم و دورانی که هنوز محمدرضا شاه به پشتیبانی نیروهای بیگانه حکومت خود را تثبیت نکرده بود، برای متدینان و روحانیون فرصت مناسبی بود تا در یک آزادی نسبی مجالس و مراسم مذهبی را برگزار کنند. در این دوران رجال رده‌بالای کشور نیز کمابیش چه با صدق و چه از روی ریا وجهه‌ای مذهبی و دیندار از خود به نمایش

می‌گذاشتند. فدائیان اسلام پیشگام تحلیل و تفسیر واقعه‌ی عاشورا از منظر حماسی و انقلابی به صورت نوین پس از انقلاب مشروطه بودند و از واقعه‌ی عاشورا تفسیری سیاسی و مبارزاتی ارائه کردند. آنها با شبیه‌سازی سلطنت پهلوی به حکومت یزید مبارزه با شاه را مشروعیت بخشیدند (مظاهری، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۵۶). اما دوران تفاهم نسبی علما و دربار چندان پایدار نماند، به‌خصوص پس از فوت آیت‌الله بروجردی این رابطه به سردی گرایید. به‌دلیل مواضع و دیدگاه‌های غیرانقلابی آیت‌الله بروجردی، با فوت وی راه مداخله‌ی مستقیم علما نیز در سیاست هموارتر شده بود.

کمیسیون ساواک در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۲، برای محرم طرح و برنامه‌ای ویژه تصویب کرد که طبق بندهای آن روحانیان و وعاظ تراز اول به ساواک احضار شدند و از بیان سخنان تحریک‌آمیز در منابر نهی شدند. به بانیان مجالس سوگواری و هیئت‌های مذهبی هم درباره‌ی حفظ نظم و پرهیز از هرگونه اقدام تخریبی تذکرات لازم داده شد. امام خمینی پس از اطلاع از این اقدام، اعلامیه‌ای خطاب به وعاظ و هیئت‌های مذهبی صادر کرد و ضمن اعلام غیرقانونی بودن ابلاغیه‌ی ساواک از آنها خواست تا دقیقاً برخلاف نظر ساواک و رژیم محرم آن سال را محملی برای طرح مواضع و اعتراضات سیاسی قرار دهند؛ زیرا سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۶۴).

محرم ۱۳۴۲ آن‌چنان که علما و به‌خصوص امام خمینی می‌خواستند محرمی سیاسی و انقلابی شد و در شهرها برخی از وعاظ بر منابر به انتقاد از رژیم و دولت پرداختند. در ماه رمضان سال ۱۳۴۲ ش نیز روند گسترش منبرهای سیاسی و اعتراض به رژیم در قالب برگزاری مجالس مذهبی و سوگواری شدت یافت و وعاظ و خطبای مبارز بر منابر، با ذکر واقعه فیضیه و پانزده خرداد به تحریض مردم علیه رژیم می‌پرداختند (همان: ۶۹-۸۴).

در آستانه محرم ۱۳۴۳ ش دستگاه امنیتی رژیم با توجه به تجربه‌ای که از محرم سال پیش داشت، تدابیر شدیدی اتخاذ کرد. البته این بار پاره‌ای سیاست‌های جدید هم به فهرست

اقدامات پیشین افزوده شده بود؛ از جمله تطمیع و عاظ، در دست گرفتن مدیریت برخی مجالس حساس عزاداری و فرستادن مأموران نفوذی تحت عنوان مستمع و عزادار به هیئت‌ها (مظاهری، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

همچنین اداره کل سوم ساواک برای کنترل محرم سال ۱۳۴۳ ش طرح جامعی را تدوین و به صورت بخشنامه لازم‌الاجرا به رؤسای ساواک استان‌ها ابلاغ کرد. این طرح سه بخش داشت: «تشکیل مجالس سوگواری»، «دسته‌های عزاداری» و «دستورات همکاری»؛ مطابق آن تشکیل هر مجلس عزا و راه‌اندازی هر دسته عزا منوط به کسب اجازه و مجوز پلیس بود. همچنین صلاحیت بانیان هیئت‌ها و مداحان و عاظ باید به تأیید شهربانی می‌رسید و از قمه‌زنی و تعزیه‌خوانی هم جلوگیری می‌شد (همان: ۸۰).

با وجود این تمهیدات باز هم محرم و صفر سال ۱۳۴۳ ش رنگ سیاسی و مبارزاتی داشت. به‌خصوص که آزادی امام خمینی بر جسارت و عاظ انقلابی افزوده بود (سلیمی: ۹۰). سیر تحدید برگزاری مجالس عزا در سال ۱۳۴۴ ش نیز پی گرفته شده و شدت یافت. در محرم این سال بیش از هفتاد نفر از عاظ و خطبای تهران و شهرستان‌ها ممنوع‌المنبر اعلام شدند و نامشان در لیست سیاه ساواک قرار گرفت. این رقم در رمضان این سال به ۱۲۲ نفر رسید. روند سخت‌گیرانه دستگاه‌های امنیتی و انتظامی رژیم علیه مجالس عزاداری کمابیش تا پایان دههٔ چهل استمرار یافت و هر سال ساواک با صدور بخش‌نامه‌ای محدودیت‌های جدیدی را برای برگزاری مراسم عزاداری ابلاغ می‌کرد یا بر فهرست و عاظ ممنوع‌المنبر می‌افزود. با آغاز دههٔ ۱۳۵۰ کماکان در مناسبت‌های ویژه مانند تاسوعا و عاشورا و روزهای ۱۹ و ۲۰ مراقبت‌های ویژه‌ای بر نحوهٔ عمل مجالس و هیئت‌های مذهبی اعمال می‌شد و این روند تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت (سلیمی، ۱۰۹-۱۰۰).

گفتمان حاکم بر مجالس مذهبی و انقلابی این مقطع، الگوی تطبیق مبارزات ضد رژیم شاه بر قیام عاشورا بود. بی‌شک باید امام خمینی را مبتکر این الگو دانست. وی از همان آغاز نهضت

این الگو را مطرح کرد و در سال‌های مبارزه هم به مناسبت‌های مختلف در قالب، بیانیه تلگراف، پیام، مصاحبه و... بر آن تأکید داشت. براساس این الگو، انقلاب اسلامی به مثابه تکرار واقعه عاشورا تصور می‌شد و امام خمینی به‌منزله فرزند و وارث امام حسین (ع)، ارتش شاه به‌منزله ارتش یزید و انقلابیان به‌منزله یاران امام حسین (ع) در نظر گرفته می‌شدند. به عبارت دیگر، رهبران انقلاب اسلامی با آگاهی از ظرفیت انگیزه‌سازی و تحریک‌کنندگی عقاید و مفاهیم شیعی و ظرفیت مجالس عزا برای تنظیم انگیزه‌های برانگیخته‌شده از این مقولات به مثابه ابزاری کارساز در راه پیروزی بهره گرفتند (مظاهری: ۱۹۲).

۲- کارکردهای هیئت‌های مذهبی

کارکردها عبارت است از عملکردهایی که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند و نقش‌هایی است که یک سازمان، نهاد و... با توجه شرایط و موقعیت جامعه عهده‌دار می‌شود. هیئت‌های مذهبی نیز از جمله سازمان‌هایی هستند که با وقوع انقلاب نقش‌های جدیدی علاوه بر نقش‌های قدیمی مانند مجالس روضه‌خوانی، سخنرانی مذهبی و... را در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی برعهده گرفتند. تشکیل نهادهای امداد و همیاری در زمان وقوع بلایای طبیعی، ساخت بناهای تخریب‌شده به‌وسیله رژیم مانند مدرسه فیضیه، تقویت همبستگی مردمی از طریق سخنرانی وعاظ، شرکت در جلسات مذهبی و... را می‌توان کارکردهای اجتماعی هیئت‌های مذهبی در نظر گرفت. درباره کارکردهای فرهنگی هیئت‌ها نیز باید گفت که با توجه به اینکه تمامی رسانه‌های گروهی و ارتباط جمعی در اختیار رژیم شاه قرار داشت، هیئت‌های مذهبی مناسب‌ترین رسانه ارتباط جمعی جهت آگاهی مردم و ارزنده‌ترین جایگاه برای تبلیغات اسلامی بودند. این تبلیغات به طرق مختلف از جمله توزیع محصولات فرهنگی، برگزاری جلسات سخنرانی مذهبی و جلسات آموزش قرآن و روضه‌خوانی... صورت می‌گرفت.

کارکردهای هنری هیئت‌های مذهبی در پیروزی انقلاب اسلامی از طریق خطاطی، تراکت، پوستر و پرده‌نویسی انقلابی، شعرسرایی و مداحی‌های انقلابی در مقابل مداحی‌های سنتی انجام می‌شد.

هیئت‌ها کارکرد سیاسی نیز داشتند. هیئت‌های انقلابی، بیشتر به یک جلسه سخنرانی و تبادل نظر درباره موضوعات روز کشور شباهت داشتند و متولیان آن (واعظان، بانیان و ذاکران)، حتی‌الامکان از میان شخصیت‌های سیاسی هوادار جریان انقلابی برگزیده می‌شدند. هیئت‌های مذهبی، نقش‌هایی مانند جذب و سازماندهی نیروهای انقلابی، آگاهی‌بخشی به مردم و برگزاری راهپیمایی و تجمعات سیاسی را در دوره انقلاب اسلامی برعهده داشتند. کارکردهای نظامی هیئت‌های مذهبی در دوران حکومت پهلوی دوم که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید، عبارت بود از آموزش نظامی انقلابیون، سازماندهی و تجهیز انقلابیون و حفاظت از شخصیت‌های انقلابی. فعالیت‌های هیئت‌های مذهبی جهت امدادسانی به خانواده‌های انقلابیون، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و توزیع کالاهای ضروری و کمیاب در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان کارکردهای اقتصادی هیئت‌های مذهبی برشمرد (مظاهری: ۳۱۱).

۳- هیئت‌های مذهبی شهری

شهری به‌عنوان یکی از مراکز تشیع در ایران و با وجود امامزاده‌ها و اماکن زیارتی، دارای بافتی مذهبی است. این امر بستر مناسبی برای فعالیت‌های متعدد در این شهر بوده است. این هیئت‌ها و جلسات به دو دسته تقسیم می‌شدند. برپایی برخی از هیئت‌ها محدود به ماه‌های محرم صفر و رمضان بود، یعنی فقط در این ماه‌ها تشکیل می‌شدند و بعد تعطیل می‌گردیدند اما بعضی دیگر در تمام طول سال برقرار بودند. هیئت‌های نوع اول غالباً در حسینیه‌ها تشکیل می‌شدند و عمده برنامه‌های آنها برگزاری مراسم عزاداری سالار شهیدان

حضرت امام حسین (ع) و یارانش بود و بندرت جلسات آموزش قرآن و احکام اسلامی تشکیل می‌دادند، اما در هیئت‌های دائمی به‌غیر از مراسم عزاداری و روضه‌خوانی، جلسات آموزش قرآن، احکام اسلامی و برنامه‌های دعاخوانی مخصوصاً در روزهای جمعه و ایام وفات و ولادت ائمه اطهار برقرار می‌گردید. از هیئت‌های مهم شهر ری که در ایام تبعید امام (ع) نقش فعالی داشتند می‌توان هیئت خامس آل عبا، هیئت چهارده معصوم (ع)، هیئت باروت کوبی پل سیمان، هیئت ابوالفضلیان اصناف و تکیه میدان شهر ری، هیئت‌های مساجد شیخ طاهر و امام حسن عسگری را نام برد. جلسات مذهبی مهم شهر ری نیز در این ایام جلسات مکتب الهادی (ع)، جلسات هفتگی قرائت و بحث و تفسیر قرآن مسجد قائمیه، جلسات مسجد ابراهیم خلیل و جلسات مذهبی در منازل افراد مبارزی چون آیت‌الله غیوری، تیمور افغانی و... بود. اقشار و طبقات مختلفی در این هیئت‌ها شرکت داشته‌اند (سلیمانی‌زمانه، ۱۳۹۴: ۲۰۴-۱۷۵). هیئت خامس آل عبا، از مبارزان تراز اول انقلابی همچون هاشمی‌نژاد برای سخنرانی دعوت می‌کرد و ساواک روی آن حساس بود و از جلساتش گزارش تهیه می‌کرد. هیئت چهارده معصوم (ع)، نیز به دلیل سوابق مبارزاتی بانیان و اداره‌کنندگان اهمیت زیادی دارد. سید مرتضی مرتضوی از بنیان‌گذاران هیئت از زندانیان ۱۵ خرداد بود و منبری‌هایش مانند احمد کافی، سید قاسم شجاعی و حاج اشرف کاشانی نیز زندانی پانزده خرداد بودند. هیئت باروت کوبی پل سیمان، نیز مرکز فعالیت تعدادی از مبارزان و اطرافیان آیت‌الله غیوری بود. این هیئت نیز پس از تعطیلی با وساطت حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی مجدداً توانست فعالیت کند. هیئت ابوالفضلیان اصناف و تکیه میدان شهر ری، طبق اسناد ساواک از مراکز مهم شهر ری در برپایی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود و سخنرانی سید مهدی فضیلت از زندانیان ۱۵ خرداد، در این هیئت از عوامل قیام بود. در یکی از این گزارش‌ها در تاریخ ۱۳۵۰/۱۲/۵ جمعیت حاضر مجلس، حدود چهار هزار نفر ذکر شده است (مراسان، ش.ب.۱۳۱۱). طی سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ در بسیاری از مساجد تهران، هیئت‌هایی پدید آمد

که گرایش سیاسی داشتند و ساواک برای بیشتر آنها، پرونده سیاسی تشکیل داد. در سال ۱۳۴۴ مسجد مهدیه در خیابان حضرت عبدالعظیم(ع)، محل برپایی جلسات و فعالیت‌های مخفیانه فدائیان اسلام بود. تجمعات آنها غالباً با عنوان مراسم عزاداری به‌ویژه در ماه‌های محرم، صفر و رمضان برپا می‌شد و همواره شماری از آنان توسط ساواک بازداشت می‌شدند (فلاحی، ۱۳۹۳:۱۵۸). هیئت مسجد شیخ طاهر نیز از دیگر هیئت‌های مهم مساجد شهری بود که طی سال‌های قبل از انقلاب مورد تعقیب ساواک واقع شد و نتیجه آن نیز، به هم خوردن جلسات، تفتیش مسجد و اعضای جلسات آن و حتی بازخواست و دستگیری تقوی راد و جعفر کیانی از اعضای فعال جلسات بود. از مهم‌ترین جلسات مذهبی مهم شهری نیز در این ایام جلسات مکتب الهادی(ع)، جلسات هفتگی قرائت و بحث و تفسیر قرآن مسجد قائمیه، جلسات مسجد ابراهیم خلیل و جلسات مذهبی در منازل افراد مبارزی چون آیت‌الله غیوری، تیمور افغانی و... بود. به غیر از هیئت‌های مذهبی که در مساجد و حسینیه‌ها تشکیل می‌شد، جلسات مذهبی دیگری نیز در منازل اهالی شهری به صورت گردشی برگزار می‌گردید (سلیمانی زمانه، ۱۳۹۴:۲۰۴-۱۷۵). تعداد این جلسات در شهری زیاد بود و اعتقادات مذهبی اهالی شهری به مذهب تشیع موجب رونق گرفتن چنین محافلی از دیرباز شده بود به طوری که گاهی اوقات در یک روز و در چندین منزل، مراسم روضه‌خوانی برپا می‌شد. این مراسم و جلسات در حقیقت پوششی بود برای روشن نگه‌داشتن چراغ نهضت و زنده نگه‌داشتن یاد و نام امام خمینی سخنرانان و وعاظ، به انحاء مختلف نسبت به اقدامات ضد‌مذهبی رژیم موضع می‌گرفتند. در این جلسات علاوه بر قرائت قرآن، دعا و احکام اسلامی، مسائل سیاسی نیز برای شرکت‌کنندگان تحلیل و بررسی می‌شد و مردم نسبت به مسایل روز جامعه هوشیارتر می‌شدند ساواک که از برگزاری جلسات مزبور حساس بود. لازم به ذکر است هیئت‌ها و جلسات مذهبی دیگری در شهری وجود داشتند که علاوه بر فعالیت

مذهبی جهت گیری سیاسی نیز داشتند ولی متأسفانه برای بررسی یکایک آنها اطلاعات کافی وجود ندارد.

۴- ایجاد محدودیت ساواک برای هیئت‌های شهری

رژیم به شکل‌های گوناگون علاوه بر نفوذ به هیئت‌های مذهبی و تهدید آنها، محدودیت‌هایی نیز برای آنها ایجاد می‌کرد. در سندی به تاریخ ۱۳۴۶/۹/۱۸ پلیس شهری به شهربانی کل کشور گزارش داد: «اطلاع واصله حاکی است به دستور سرکار سرهنگ بازنشسته حسین آیرملوئی رئیس دفتر آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) به کلیه هیئت‌هایی که در صحن مطهر مشغول عزاداری بودند ابلاغ شده که از شب جمعه آینده هیچ هیئتی حق تشکیل جلسه در صحن مطهر را ندارد» (مراسان، ش.ب: ۲۴۰۳۳).

بدیهی است این اقدامات موجب نارضایتی مردم و اهالی شهری می‌شد، تا حدی که ساواک شهری از آن نگران بود. در گزارشی دیگر از اطلاعات پلیس شهری به تاریخ ۴۵/۹/۲۶ آمده است: «ساعت ۳۰: ۱۸ روز ۴۶/۹/۲۵ حاج مجتبی امینی یکی از خدام صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) بیان می‌داشت، روز گذشته اکبر حاج‌علیان مأمور ساواک شهری نزد من آمده اظهار داشت، به سرهنگ آیرملوئی بگویند این قدر به پر و پای هیئت‌های شب‌های جمعه نیچد» (همان).

حتی هیئت‌های مذهبی وابسته نیز از این محدودیت‌ها ناراضی شده و اعتراض داشتند؛ به‌عنوان مثال آقای کرمی، سرپرست هیئت مقبره جباری واقع در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) به سرهنگ آیرملوئی مراجعه و بیان داشته چنان که از هیئت ما جلوگیری نمایند ناچارم به مقامات بالاتر متوسل شوم، به این دلیل که من خودم متعلق به دستگاه هستم. در شب‌های جمعه فکر و ذکر ما سلامتی اعلیحضرت شاهنشاه می‌باشد. پس از آن به وی اجازه تشکیل هیئت در شب‌های جمعه داده شده است (همان).

حاج عبدالمجید مساحتی از اعضای هیئت فاطمیه در مورد محدودیت‌های رژیم برای هیئت‌ها و تقاضای رژیم برای دعا کردن هیئت‌ها برای سلامتی شاه می‌گوید: «رئیس سازمان امنیت با مأمورین داخل صحن حرم حضرت عبدالعظیم (ع) می‌آمدند. قبلاً به همه مداح‌ها گفته بودند هر وقت خواستید سینه بزنید حتماً باید اعلیحضرت را دعا کنید. هیئت ما هیئت فاطمیه بود که این کار را نمی‌کرد... ما فقط وعده می‌دادیم تا از دستشان خلاص شویم ولی عمل نمی‌کردیم» (مصاحبه با عبدالمجید مساحتی، ۱۳۸۷/۱۰/۹).

۵- هیئت‌های تأثیرگذار شهری

۵-۱- هیئت خامس آل عبا

از هیئت‌های شهری که در ایام تبعید امام خمینی، فعال بوده و در اسناد ساواک از آن نام برده شده است، هیئت خامس آل عبا می‌باشد که از سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد دعوت کرده بود در ایام محرم در این هیئت منبر برود (مراسان، ش. ب: ۴۰۷). از کارکردهای مهم هیئت‌های مذهبی تربیت نیروهای جوان و انقلابی بود. به همین منظور این هیئت‌ها به مناسبت‌های مختلف از سخنرانان انقلابی دعوت می‌کردند تا در جلسات هیئت سخنرانی کنند. ساواک که بر هیئت‌ها نظارت داشت در گزارشی به تاریخ ۵۱/۱/۱۹ درباره عبدالکریم هاشمی‌نژاد می‌نویسد: «نامبرده ساکن شهری نمی‌باشد و در ایام محرم از طرف هیئت خامس آل عبا به شهری دعوت گردیده بود، مع‌هذا چنانچه باز هم در این منطقه به منبر رفت، طبق اوامر صادره رفتار و نتیجه به موقع به عرض خواهد رسید» (همان).

در سند دیگری از ساواک به تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۸ درباره فعالیت‌های هیئت خامس آل عبا آمده است: «مجلس سوگواری هیئت خامس آل عبا... در مسجد سیمان ری برگزار گردید. ابتدا مسائل دینی توسط آقای ظهیری مطرح شد و سپس حاج محمود محمودی مداح اشعار

مذهبی خواند و در پایان برای زندانیان بی گناه و مراجع عالی قدر دعا نمود...» (همان، ش. ب: ۴۳۰۵۱).

۵-۲- هیئت چهارده معصوم (ع)

هیئت چهارده معصوم (ع) در سال ۱۳۳۹-۱۳۳۸ تأسیس شده است. این هیئت به دست افرادی پاگرفت که هدفشان امر به معروف و نهی از منکر بود. سید مرتضی مرتضوی مشهور به «آقاچوشی» از بنیان گذاران آن بود. او وقتی نوجوان پانزده ساله‌ای بود از کاشان به شهرری آمد و شاگرد کبابی بازار حرم شد و چندی بعد به حوزه علمیه رفت و درس خواند و لباس روحانیت بر تن کرد. سال ۱۳۳۶ مرحوم آیت الله اثنی عشری به سید مرتضی پیشنهاد می‌دهد که اگر می‌خواهی امر به معروف و نهی از منکر کنی، هیئتی راه اندازی کن. و یک سال بعد هیئت چهارده معصوم (ع) در شهرری تأسیس و از همان زمان مصداق امر به معروف و نهی از منکر می‌شود. هیئت چهارده معصوم (ع) هر چند ابتدا در خانه کوچک و با حضور ده نفر برگزار شد، اما در گذر زمان توجه خیلی‌ها را به خود جلب کرد.

مرتضوی که روحانی جوان و جسوری بود، در سال‌هایی که ظلم حکومت طاغوت به مردم عیان تر شده بود، در ورودی بازار حرم می‌ایستاد و مانع ورود زنان بی‌حجاب به داخل حرم می‌شد. یک روز رئیس شهربانی شهرری همراه همسرش که حجاب نداشت در حال وارد شدن به بازار حرم بود که آقا سید مرتضی جلوییشان را می‌گیرد و تذکر می‌دهد. مردم با بهت به رفتار او خیره می‌شوند. رئیس شهربانی که این تذکر را بر نمی‌تابد با عصبانیت او را هل داد و به او ناسزا می‌گوید. در این لحظه است که سید با جسارتی که برای خیلی از اهالی آن روزگار مایه حیرت بوده، سیلی محکمی به رئیس شهربانی می‌زند و از همان زمان هم بین مردم به «آقاچوشی» معروف می‌شود. این روحانی البته پس از این ماجرا به زندان می‌افتد و شکنجه می‌شود، اما دست از امر به معروف و نهی از منکر بر نمی‌دارد (قاسمی، ۱۴۰۲).

حجت‌الاسلام عبدالعلی کنی درباره فعالیت هیئت‌های شهری می‌گوید: «هیئت چهارده معصوم از همه هیئت‌های دیگر شهری جاندارتر بود. چون بنیانگذار و مؤسس آن مرحوم سید مرتضی مرتضوی بود. او آدم بی‌قرار و ناآرامی بود و چون از اعضای فدائیان اسلام هم محسوب می‌شد و با آنها در ارتباط بود، آنچه که معتقد بود، بدون هیچ واژه‌ای ابراز و اظهار می‌کرد و دیگران را هم به آن وادار می‌کرد و در امر به معروف و نهی از منکر وضع خاصی داشت که هیچ‌کس مثل او نبود. هیئتی هم که او اداره می‌کرد با هیئت‌های دیگر فرق می‌کرد. منبری‌هایی هم که او دعوت می‌کرد با سایر منبری‌ها فرق می‌کرد. از منبری‌های هیئت چهارده معصوم مرحوم احمد کافی، سید قاسم شجاعی و حاج اشرف کاشانی بودند که هر سه مانند خود سید مرتضی مرتضوی از زندانیان ۱۵ خرداد بودند که هم در تهران و هم در ری سخنرانی‌های انقلابی داشتند. آقای مهدوی خراسانی هم از کسانی بود که مرتضوی دعوت می‌کرد (مصاحبه با عبدالعلی کنی، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲).

مکتب حزب‌الله نیز که در سال ۱۳۴۱ تأسیس شده بود و به دلیل فشار ساواک در این هیئت ادامه یافت. حجت‌الاسلام عبدالعلی کنی درباره این باره می‌گوید: «مکتب حزب‌الله را ابتدا من ضمن اعلامیه‌ای که در جریان لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به تاریخ ۱۳۴۱/۹/۴ صادر کردم پایه‌گذاری کردم که در آن اعلامیه آمده بود: الا ان حزب‌الله هم الغالبون. بعد از جریان دستگیری در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به علت فشارهای رژیم مجبور بدم مقداری از فعالیت‌های علنی که موجب حساسیت نیروهای امنیتی رژیم می‌شد کناره‌گیری کنم و به همین علت فعالیت‌های آن ادامه نیافت، ولی مقداری از آن در قالب هیئت چهارده معصوم توسط سید حسین مرتضوی فرزند آقای مرتضوی که در ۱۵ خرداد به همراه ما دستگیر شده بود ادامه یافت (همان).

۳-۵- هیئت باروت کوبی پل سیمان

هیئت باروت کوبی پل سیمان شهرری نیز از هیئت‌های فعال شهرری بوده است، که توسط آیت‌الله غیوری و مریدانش در مقابل کارخانه سیمان در کوچه‌ای به نام باروت کوبی بنیان گذاشته شده بود و آقای موحدی، سرپرستی هیئت باروت کوبی را برعهده داشت. برادران رفیعی و برادران نجفی از فعالان این هیئت بودند. سخنرانان این هیئت از میان مبارزان و پیروان امام خمینی انتخاب می‌شدند تا نام ایشان را در منابر ذکر کنند. حجت‌الاسلام علی‌اصغر مرتضوی فر که به خاطر اختناق حاکم و تعقیب ساواک و علاقه به استمرار مبارزه سیاسی با مشورت اعضای مؤتلفه، اسم خود را به عبدالله جعفری اصفهانی تغییر داده بود سخنرانان انقلابی در این هیئت بود. وی در باره این هیئت می‌گوید: «سال ۱۳۴۵، اولین سال حضور سیاسی من در تهران بود. محله جدیدمان، پل سیمان شهرری، معروف به محله آیت‌الله سید علی غیوری نجف‌آبادی بود. در اینجا حوزه فعالیت‌هایم گسترش پیدا کرد. عمده فعالیت هم پخش اعلامیه‌ها و نوارهای حضرت امام بود... آیت‌الله غیوری از مبارزان و طرفداران حضرت امام بود. من به محض ورود به محله آنها، با او تماس گرفتم و به منزلش رفتم... آیت‌الله غیوری مرا به عنوان منبری به این هیئت در ماه رمضان معرفی کرد» (مرتضوی فر، ۱۳۸۶: ۶۳).

حجت‌الاسلام مرتضوی فر درباره منبرهایش در این هیئت می‌گوید که آقای موحدی، که سرپرستی هیئت را برعهده داشت، به او گفته بود: «... اینجا شما در حرف زدن آزادید و هرچه می‌خواهید می‌توانید بگویید... بنا شد که من بعد از افطاری هر شب در منزل یکی از اعضای هیئت به منبر بروم. از تعهدات من در سخنرانی‌ام بردن نام امام بود. در جلسات سخنرانی حتی اگر یکبار هم می‌شد این نام را بر زبان می‌آوردم. با آنها نیز شرط را گذاشتم. در این جلسات بر بحث ولایت فقیه تکیه کردم. بحث ولایت را تشریح و مباحث مربوط به حکومت اسلامی را مطرح کردم. چون جو حاکم بر ضد رژیم شاهنشاهی بود، هر جا صدای

اعتراضی بلند می‌شد روز به روز بر تعداد مستمعین اضافه می‌گشت و این مطلب برای مردم جذاب و شنیدنی بود» (همان). البته ذکر نام امام و مطرح کردن بحث ولایت فقیه واکنش کلانتری را برانگیخت و حجت‌الاسلام مرتضوی فر به کلانتری احضار شد و سرهنگ زندگی، ریاست کلانتری شهرری به او گفت: من از بالا دستور دارم که جلوی شما را بگیرم، شما مردم را تحریک می‌کنی و امنیت آنها را به هم می‌زنی. زبان من فعلاً زبان نصیحت است، اگر تعهد بدهی که از امام و انقلاب حرف نزنی می‌توانی به هیئت بروی. من دو سه روز به کلانتری می‌رفتم ولی حاضر به سپردن تعهد نبودم» (همان).

ظاهراً وساطت حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی، مانع تعطیلی هیئت شد و سرانجام قرار گذاشته شد که مأموری از طرف کلانتری هر شب در جلسه سخنرانی حاضر شود و از سخنرانی‌ها گزارش تهیه کند اما سخنرانی وی در هیئت حسن قلعه‌نویی ورامین و عدم رعایت شرایط ساواک موجب دستگیری وی شد.

۴-۵- هیئت ابوالفضلیان اصناف و تکیه میدان شهرری

هیئت ابوالفضلیان اصناف و تکیه میدان شهرری نیز از هیئت‌های مهم شهرری بود که جلسات مذهبی به مناسبت‌های مختلف در آنجا تشکیل می‌شد و از وعاظ معروف تهران و قم و از جمله آقای محمدتقی فلسفی، حسین وحید خراسانی و عباسعلی اسلامی و ... دعوت می‌شد که در آنجا سخنرانی کنند. آنها هم علیه رژیم و دولت تبلیغ می‌کردند (مصاحبه با حاج علی‌اکبر الفت، ۱۳۸۷/۷/۱۰).

تکیه ابوالفضلیان اصناف شهرری در جریان قیام ۱۵ خرداد نیز نقش مهمی داشت و سخنرانی سید مهدی موسوی فضیلت از زندانیان ۱۵ خرداد، در همین مکان ایراد شد. در گزارشی که کلانتری شهرری در مورد تظاهرات ۱۵ خرداد شهرری به رئیس پلیس تهران ارائه نموده آمده است: «... در روز وقوع اغتشاش سید مهدی موسوی فضیلت مدیر دبستان اسلامی

شهرری که معلم می‌باشد با حسن جمالی پناه بزاز و محمد جمالی پناه بزاز و حسین نواری گیوه‌فروش و حسین بارگاهی خیاط و احمد کریمی خرازی‌فروش و حاج علی محمد کریمی مسگر و حاج احمد کریمی و حاج محمدحسین حریری و علی صادقی اردستانی بزاز و حسین فرزند محمدقاسم شهرت قاسمی و محمود انصاری خیاط در تکیه هیئت ابوالفضلیان اصناف خیابان با یکدیگر تماس گرفته پس از مذاکرات لازم و طرح نقشه اغتشاش هریک از آنها به طرحی برای تحریک و جمع‌آوری و اغفال مردم حرکت [کرده] سید مهدی موسوی فضیلت به منبر رفته پس از شرح اطلاعاتی بیان داشت که مأمورین انتظامی یک عده از علماء را دستگیر نموده‌اند و با فحاشی زیاد ضمن تحریک احساسات مستعین بیان داشت که من وصیت خود را نوشته و ترس از کشته‌شدن دیگر ندارم. من به پیش و شما با من حرکت کنید از اینجا با جمعیت به تکیه میدان که چند قدم پایین تر است وارد و با تحریک آنها و ملحق نمودن به عده خود خارج [شده] در همین موقع همدستانش وضع خیابان را مغشوش و [بازار] را تعطیل نموده با تهیه چوب و سنگ و تقسیم آنها به سمت کلانتری حرکت [نموده] و مأموریت داشتند که در بدو امر کلانتری را تصرف و با عدم موفقیت کلانتری را آتش زده سپس دست به عملیات دیگری بزنند» (مراسان، ش.ب: ۲۹۹۰).

در سند دیگری به تاریخ ۱۳۵۰/۱۲/۸ ساواک درباره فعالیت‌های این هیئت از منبر شیخ احمد کافی گزارش می‌دهد: «ساعت ۱۱: ۰۰ روز ۱۳۵۰/۱۲/۵ در هیئت ابوالفضلیان واقع در شهرری خیابان احمد نیریزی آقای شیخ احمد کافی واعظ به منبر رفته و ... و جمعیت در حدود چهار هزار نفر [بودند] و مجلس در ساعت ۱۲: ۳۰ خاتمه یافت» (مراسان، ش.ب: ۱۳۱۱).

۵-۵- هیئت مسجد شیخ طاهر

هیئت مسجد شیخ طاهر نیز علاوه بر فعالیت‌های مذهبی، جهت‌گیری‌های سیاسی نیز داشت. هسته اصلی این جلسات را حسین عالمی از فرهنگیان محله نفرآباد بنیاد نهاد. در این جلسات، تفسیر قرآن متناسب با مسائل روز انجام می‌شد و نوحه‌هایی که در ایام محرم در این هیئت خوانده می‌شد عمدتاً در مورد تاریخ اسلام، آزادگی مبارزه با طاغوت و استکبار و ظلم بود. محمدعلی تقوی راد، در این مورد می‌گوید: «جلساتی به‌صورت هفتگی در مسجد شیخ طاهر واقع در ضلع شرقی حرم حضرت عبدالعظیم برگزار می‌شد که در آن به تفسیر قرآن، بیان مسایل روز و احکام قرآن پرداخته می‌شد، این جلسات طی سال‌های قبل از انقلاب مورد تعقیب ساواک و ماموران ساواکی واقع شد که نتیجه آن‌هم به‌هم‌خوردن جلسه، تفتیش مسجد و اعضا و حتی بازخواست و دستگیری تعدادی از اعضا از جمله من و آقای جعفر کیانی از اعضای فعال جلسه بود» (سلیمانی زمانه، ۱۳۹۴: ۱۹۵).

۶- جلسات مذهبی تأثیرگذار شهری

۶-۱- مکتب الهادی پایگاه مذهبی - سیاسی مبارزان شهری

از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های مذهبی - سیاسی در شهری که موجب جذب جوانان این شهر با الگوپذیری از وعاظ و منبریان مبرز بود و تحت نظر ساواک این شهر قرار داشت مکتب الهادی بود. مکتب الهادی به صورت هفتگی جمعه‌ها با حضور عده زیادی از جوانان و انقلابیون برای استفاده از رهنمودهای روحانیون و وعاظ انقلابی در مکانی نزدیکی حرم حضرت عبدالعظیم تشکیل می‌شد. جلسات مکتب الهادی در منزل شخصی عزیزالله روحانی برگزار می‌شد. وی منزل خود را در اختیار مبارزان قرار داده بود و هر هفته صبح جمعه با انجام تغییراتی در دکوراسیون و جابه‌جایی وسایل منزل آقای روحانی، مکان را برای تشکیل جلسات آماده می‌کردند. پس از پایان هر جلسه، دوباره میز، صندلی و دیگر وسایل منزل به

حالت قبلی خود برگردانده می‌شد. این مکتب مذهبی سیاسی که می‌توان از آن به‌عنوان شعبه دوم حسینیّه ارشاد تهران یاد نمود، در اواخر دههٔ چهل توسط حجت‌الاسلام رمضان زمانی نجف‌آبادی و کمک عده‌ای از روحانیون و افراد متدین و مبارز شهرری تشکیل شد. جمعیت شرکت‌کننده در جلسات مکتب الهادی، گاهی به‌قدری زیاد بود که علاوه بر تمام سالن، عده‌ای طلاب هم داخل اتاق‌ها و راهرو می‌ایستادند و گاه حتی برای ایستادن هم جا نبود (سلیمانی زمانه، ۱۳۹۴: ۲۰۳-۲۰۱).

چون بانیان بر غیرسیاسی بودن مکتب تأکید کرده بودند در ابتدا از طرف ساواک و نیروهای امنیتی شهرری مزاحمتی ایجاد نشد اما روند فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی و ضد رژیم سخنرانان، که گاه صریح و گاه در لفافه بیان می‌شد و نیز افزایش مخاطبان، لاجرم دامنه مراقبت‌های ساواک را افزون نمود. پس از تعطیلی «حسینیّه ارشاد» با توجه به اهمیت شخصیت و جایگاه سخنرانانی که از یاران حضرت امام بودند، حساسیت ساواک روزبه‌روز نسبت به آن بیشتر شد. از مهم‌ترین اقدامات افراد انقلابی در این جلسات علاوه بر سخنرانی‌های روشنگرانه، توزیع و پخش رسالهٔ امام و اعلامیه‌های ایشان بود که در سطحی وسیع در اختیار مخاطبان قرار می‌گرفت. در طول فعالیت و جلسات این مکتب، جوان‌های انقلابی مبارز و متدینی در شهرری پرورش یافتند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عده‌ای از آنها وارد کارهای اجرایی شدند و از نیروهای معتمد و متدین انقلاب محسوب می‌گردیدند و عده‌ای هم با اخلاص تمام در جبهه‌های جنگ به شهادت رسیدند. حجت‌الاسلام والمسلمین رمضانعلی زمانی، جریان تأسیس مکتب الهادی را چنین شرح می‌دهد: «در اواخر سال ۱۳۴۸ برای زیارت به مشهد مقدس رفتم. در آنجا متوجه شدم که آقای هاشمی‌نژاد جلسات مذهبی - سیاسی برگزار می‌کند. وقتی به جلسه ایشان رفتم دیدم جلساتی پرشور است که عده‌ای جوان انقلابی باصفا و با صداقت دورهم جمع شده‌اند و پس از اتمام منبر، سؤالاتی را مطرح می‌کنند. جلسات هم دو ساعت طول می‌کشید. یک ساعت سخنرانی و یک ساعت هم سؤال و جواب

بود. وقتی برای زیارت امام رضا (ع) رفتم، گفتم: یا بن رسول الله دلم می‌خواهد که این جلسه را به عنوان سوغات از مشهد برای شهرری ببرم. وقتی برگشتم شهرری، به تهیه مقدمات کار پرداختم و قضیه را با برخی از روحانیون و بزرگان در میان گذاشتم. صاحب‌خانه‌ام فردی به نام عزیزالله روحانی بود. او مکان برگزاری جلسات را که همان خانه‌اش بود در اختیار ما گذاشت. با چند تن از متدینین شهرری هم صحبت کردم و گفتم می‌خواهم چنین جلسه‌هایی را برگزار کنم که آنها هم با اشتیاق پذیرفتند و قرار شد هر کدام مقداری پول کمک کنند و مقداری هم از مردم بگیریم تا وسایل موردنیاز را فراهم کنیم. من خدمت آیت‌الله محمدصادق لواسانی نیز رفتم و با ایشان صحبت کردم که می‌خواهیم چنین کاری در شهرری انجام دهیم که ایشان هم کمک خوبی کردند و ما توانستیم با پول‌هایی که جمع کرده بودیم، بلندگو، میز، تریبون و تعداد زیادی صندلی و دیگر وسایل موردنیاز را فراهم کنیم. سپس در رابطه با اسم این جلسه حسینیه سیدالشهداء، هیئت صاحب زمان، تبلیغات اسلامی و ... را ذکر کردیم که آقای فلسفی نام مکتب الهادی را انتخاب کرد. مخارج هر ماه جلسات را هم یکی از اعضای هیئت مدیره، از جمله حاج محسن مشیری، حاج حسین عالمی، حاج جواد دانش‌مقدم، حاج علی‌محمد کریمی کاشانی و حاج قنبر کریمی یزدی، عباس شمیرانی و ... پرداخت می‌کرد. عباس شمیرانی با ساواک همکاری داشت و ما نمی‌دانستیم. من کسانی را که در حسینیه ارشاد منبر می‌رفتند، دعوت می‌کردم. آقایان محمدتقی فلسفی، ابوالقاسم خزعلی، امامی کاشانی، رفیعی قزوینی، محمدرضا مهدوی‌کنی، محسن قرائتی، مروی (داماد خزعلی) عبدالکریم هاشمی‌نژاد، سید علی خامنه‌ای و اکبر هاشمی رفسنجانی از جمله کسانی بودند که دعوت می‌شدند و افراد متفرقه‌ای که گاهی از قم می‌آمدند. اگر آنها به علتی نمی‌توانستند بیایند، دیگر کسی منبر نمی‌رفت. یعنی کسی نبود که قدرت یک ساعت سخنرانی و پاسخ سؤالات جوانان را داشته باشد. ما سیصد صندلی داشتیم. صندلی‌ها پر می‌شد و در اتاق‌ها و ایوان هم می‌نشستند» (مصاحبه با رمضانعلی زمانی ۱۳۸۷/۹/۲۳ و ۱۳۸۷/۷/۲۴).

مکتب الهادی در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۴۸ توسط آیت‌الله رفیعی قزوینی افتتاح شد. سخنران جلسه هم حجت‌الاسلام فلسفی بود. در گزارشی که ساواک شهرری به دنبال دستور ساواک تهران پیرامون چگونگی و هدف از تشکیل مکتب الهادی به وسیله ابوالقاسم خزعلی و رمضانعلی زمانی ارائه کرده است آمده: «مکتب فوق‌الذکر در تاریخ ۴۸/۱۲/۸ تشکیل شد و هدف از تشکیل آن نیز تهذیب اخلاق جوانان می‌باشد... مکتب مزبور فعلاً عضوی ندارد ولی به طور پراکنده عده‌ای در جلسات آن شرکت می‌کنند... با سایر جمعیت‌ها اعم از سیاسی و مذهبی بستگی ندارد... چون آقای شمیرانی مورد اعتماد ساواک شهرری می‌باشد هرگونه فعالیتی صورت گیرد اطلاع خواهند داد» (مراسان ش. ب: ۱۰۳۷).

با رونق گرفتن جلسات پرشور مکتب الهادی، دستگاه امنیتی رژیم به تکاپو افتاد تا جلسات مزبور را تعطیل کند. حجت‌الاسلام والمسلمین رمضانعلی زمانی در این باره می‌گوید: «ساواک روی جلسات مکتب الهادی حساس شده بود. گاهی از کلانتری مرا می‌خواستند و می‌گفتند جلسه را تعطیل کن. گفتم: آخر نمی‌شود همین طوری تعطیل کنم. می‌گفتند پس از آقایان همین‌جا دعوت کن. مثلاً آقای لاله‌زاری و... گفتم نمی‌شود آخر جوانان می‌آیند اینجا و سؤالاتی دارند و من باید کسانی را دعوت کنم که بتوانند این جلسات را اداره کنند. در اواخر کار می‌گفتند باید برای برگزاری جلسات اجازه بگیری. وقتی برای گرفتن اجازه می‌رفتم می‌گفتند باید برای شاه دعا کنی و از ما تعهد می‌خواستند ولی به هر حال ما قبول نمی‌کردیم» (مصاحبه با رمضانعلی زمانی، ۱۳۸۷/۱۲/۷).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز از جمله واعظانی بود که سال‌ها در مکتب الهادی به سخنرانی و ارشاد جوانان می‌پرداخت. حجت‌الاسلام والمسلمین زمانی درباره حضور آیت‌الله خامنه‌ای در جلسات مکتب الهادی و سخنرانی در جلسات آن می‌گوید: «این بزرگوار چون فرد شایسته، با فضل و با کمالی بود و در مشهد با آیت‌الله خزعلی آشنا بود، از این جهت هر وقت ایشان به تهران می‌آمد، آیت‌الله خزعلی جلسه مکتب الهادی را به ایشان واگذار می‌کرد. ... هر دفعه که

آیت‌الله خامنه‌ای از مشهد می‌آمدند حدود یکی دو ماهی تهران بودند و هر هفته به جلسات مکتب الهادی می‌آمدند و ما از وجود ایشان بهره بسیار می‌بردیم. مطالبی که ایشان می‌گفتند با ذوق و سلیقه جوانان سازگار بود و مردم شهرری عموماً ایشان و جلسات ایشان در مکتب الهادی را به خاطر دارند» (مصاحبه با رمضانعلی زمانی، ۱۳۸۹/۳/۲).

حجت‌الاسلام عبدالعلی کنی اذعان می‌کند در جریان نهضت اسلامی مکتب الهادی اولین و مهم‌ترین تشکیلات سازمان‌یافته و واجد شرایط یک کانون تأثیرگذار انقلابی بود» (مصاحبه با عبدالعلی کنی، ۱۳۸۸/۱۱/۲۹).

۶-۲- مکتب النبی

هیئت‌ها و جلسات مذهبی معمولاً با شرکت اقشار مختلف مردم چون روحانیون، دانشجویان، دانش‌آموزان، بازاریان و... تشکیل می‌شدند، اما کسبه و بازاریان شهرری به دلیل زیارتی‌بودن شهرری و حضور زائران در ساعات مختلف روز و حتی شب در بازار حوالی حرم، نمی‌توانستند از جلسات مکتب الهادی در روز جمعه استفاده کنند. برای حل این مسئله جلسات مکتب النبی نیز برای مدتی به همت حجت‌الاسلام والمسلمین رمضانعلی زمانی در روزهای دوشنبه برگزار شد. ایشان در این باره می‌گویند: «چون زمان برگزاری جلسات مکتب الهادی برای کسبه و بازاریان شهرری مناسب نبود و آنها به خاطر فعالیت بازاری خود نمی‌توانستند در جلسات مکتب شرکت کنند، در حسینیه اردستانی‌های شهرری واقع در خیابان حرم، کوچه زنگنه جلساتی شب‌های دوشنبه ویژه اصناف و بازاریان شهرری به نام مکتب النبی برگزار شد که در آنجا نیز از وعاظ و سخنرانان انقلابی دعوت می‌شد. از مهم‌ترین اقدامات افراد انقلابی در این جلسات علاوه بر سخنرانی‌های انقلابی، توزیع و پخش رساله امام، آثار و اعلامیه‌ها بود که در سطح وسیع در اختیار مخاطبان قرار می‌گرفت (مصاحبه با رمضانعلی زمانی، ۱۳۸۹/۳/۲).

مکتب الهادی و مکتب النبی به عنوان مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه و انقلاب در شهری از جهات مختلف سیاسی، فرهنگی و تبلیغی نقش قابل‌ملاحظه‌ای را در انقلاب اسلامی داشت. در طول فعالیت و جلسات آن جوانان انقلابی، مبارزه، متدین در شهری پرورش یافتند که پس از پیروزی انقلاب عده‌ای وارد کار اجرایی شدند و از نیروهای معتمد و متدین انقلاب شدند و عده‌ای هم با اخلاص تمام در جبهه‌های جنگ به شهادت رسیدند.

۳-۶- جلسات هفتگی قرائت قرآن

جلسات هفتگی قرائت و بحث و تفسیر قرآن که گاهی در منزل افراد و ساکنان حسین‌آباد بی‌بی زبیده و گاه در مسجد قائمیه در پل سیمان ری برگزار گردید، از دیگر جلسات مهمی بود که در شهری برگزار می‌شد.

با بررسی محتوای سخنرانی‌ها می‌توان به بیان آموزه‌های نهضت اسلامی در قالب این جلسات پی برد. به عنوان مثال در جلسه مورخ ۱۳۴۷/۵/۱۸ اکبر هاشمی رفسنجانی در پایان سخنرانی خود می‌گوید: «در زمان ساسانیان مردم ایران چون از ظلم و ستم خسرو پرویز به ستوه آمده بودند شیعه را پذیرفتند و اضافه کرد که ایرانیان قدیم از دین اسلام پاسداری زیادی کردند و آنهایی که لطماتی به مذهب شیعه وارد ساخته به طریقی سرزنش و حتی آنها را از بین بردند، چنانچه در سرنوشت حکومت عثمانی، این نکته نیز قابل‌تأمل است» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۶۸۸). برطبق اسناد ساواک آقای اکبر هاشمی رفسنجانی از فعال‌ترین منبری‌های این جلسات بوده است.

جلسات قرائت قرآن ابتدا در ساعات پس از اذان مغرب در منزل برخی افراد ساکن حسین‌آباد بی‌بی زبیده برگزار می‌شد، اما مدتی بعد که ظاهراً بر اساس اسناد موجود اواخر تیر ماه ۱۳۴۷ می‌باشد، اعضای جلسه تصمیم به برگزاری آن در مسجد قائمیه گرفتند. در سندی به مورخ ۱۳۴۷/۴/۳ اظهارات هاشمی رفسنجانی گویای تغییر و تحولی در مکان برگزاری

جلسات قرائت قرآن است. در این گزارش ساواک آمده است: «در ساعت ۲۰/۰۰ جلسه قرائت قرآن در مسجد قائمیه، واقع در خیابان سیمان ری، با حضور عده‌ای در حدود پنجاه نفر تشکیل گردید. ابتدا نماز جماعت [به] وسیله موسوی انجام، سپس شیخ علی‌اکبر رفسنجانی به منبر رفت و چنین اظهار داشت: چون اینجا مسجد است، لذا یک عده تازه‌وارد به مجلس می‌آیند و آن‌طوری که شایسته است درس‌های دینی هفتگی را که در اینجا مطرح می‌گردد در جریان قرار نمی‌گیرند و از مستمعین خواست که به‌طور متوالی در جلسات شرکت جویند. نامبرده با عزت‌الله خلیلی و حاج سید علی غیوری به‌طور محرمانه صحبت و اظهار داشت: «اگر این‌گونه مجالس را در منزل دایر کنیم، توسط دستگاه‌های انتظامی گرفتاری‌هایی برایمان به وجود می‌آید. غیوری این موضوع را تأیید کرد و گفت: فعلاً تشکیل جلسات در منزل به مصلحت نیست. جلسه در ساعت ۲۲/۰۰ پایان یافت» (همان: ۶۴۸).

بیان مطالب بالا در جلسات مذکور دارای محدودیت‌هایی بود، از این‌رو سخنرانان این جلسات سعی می‌کردند حساسیت مأموران رژیم را برنینگیزند و بیشتر در قالب بیان مسائل دینی و تاریخی به صورت کنایه‌آمیزی مطالب خود را بیان کنند. ساواک در گزارشی هدف از تشکیل این جلسات را ارشاد و راهنمایی اعضا به اصول دینی ذکر می‌کند که فعالیت مضره‌ای ندارند، اما نظارت ساواک بر این جلسات موجب شد تا مجال بیان آزاد مطالب سلب شود. چنان‌که زمانی که در یکی از جلسات مذکور به تاریخ ۱۳۴۷/۶/۲۹ در مسجد قائمیه حجت‌الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی انتقاداتی از رفتار دولت‌های خارجی می‌کند، به پلیس تهران اعلام می‌شود که با توجه به بخشنامه‌های صادره، مأمورین مربوطه به وی تذکر دهند از بیان این‌گونه مطالب خودداری نماید در غیر این صورت از منبر رفتنش جلوگیری خواهد شد (مراسان، ش.ب: ۱۶۲۹).

۴-۶- جلسات مسجد ابراهیم خلیل

از جلسات مذهبی معروف و مشهور دوران پس از تبعید امام در شهرری، جلسات مسجد ابراهیم خلیل بود. حجت الاسلام ابوالقاسم موسوی همدانی امام جماعت این مسجد را که در خیابان ۲۴ متری واقع است برعهده داشت. از کارکردهای این جلسات جذب جوانان بود و دو فرزند جوان حجت الاسلام موسوی به نام‌های سید محمدجواد و سید محمدحسن، از اداره کنندگان اصلی جلسات بودند. ساواک از این جلسات با نام انجمن جوانان مسجد ابراهیم خلیل نام برده است و گزارش می‌دهد: «انجمن یادشده در ساعت ۱۷ مورخه ۱۴/۶/۱۳۴۸ در مسجد ابراهیم خلیل در شهرری تشکیل و شیخ ابوالقاسم خزعلی به منبر رفته...» (مراسن، ش ب: ۴۳۰۴۱). همچنین ساواک اعضاء اصلی این جلسه را که در ضمن به انجمن مذکور از نظر مالی نیز کمک‌هایی می‌کردند سید ابوالقاسم موسوی، غلامرضا ارپناهی، حاجی بختیاری، حاجی عزیزنژاد، رسولی و ابراهیمی ذکر کرده است که این افراد همگی ساکن کوی اقدسیه شهرری بودند (همان). سید محمدجواد موسوی درباره این جلسات می‌گوید: «این جلسات بعدازظهر جمعه‌ها برگزار می‌شد. من و برادرم محمدحسن مدیر آن جلسه بودیم. آقای خزعلی یا محلاتی به آنجا می‌آمدند و سعی کرده بودیم که جلسات جنبه خیلی معمولی نداشته باشد؛ مثلاً روی بالکن مسجد صندلی می‌چیدیم و میکروفن می‌گذاشتیم، چای درست می‌کردیم و استکان و نعلبکی مخصوص جداگانه‌ای را که خیلی تمیز بود، استفاده می‌کردیم که با آنچه در مسجد برای مراسم ختم و ... استفاده می‌کردند، متفاوت باشد و یک مقدار جنبه نوآوری باشد که از این طرف و آن طرف جوان‌ها جذب شوند. در آموزشگاه فنی حرفه‌ای که درس می‌خواندم سعی کردم با بچه‌هایی که یک مقدار جنبه مذهبی دارند آشنا شوم و اینها نیز در جلسات مسجد ابراهیم خلیل شرکت می‌کردند. از جمله این افراد آقای رمضانعلی طاهریان، محمد دیدگاه و امیر فراهانی بودند. این جلسات را عمدتاً ما اداره می‌کردیم. این جلسات مشهور شده بود و علاوه بر اهالی شهرری افرادی که در جریان مسائل بودند از تهران

می آمدند؛ مثلاً یک جمع چند نفره از اطراف میدان خراسان می آمدند؛ مثلاً آقای حسین حسین زاده می آمد. معمولاً روحانیونی که شاگرد امام بودند مثل آقایان خزعلی، امامی کاشانی اینجا می آمدند. آیت الله خزعلی تفسیر می گفت منتها این تفاسیر حالت روشنگری هم داشت مثلاً قیام حضرت یوسف بر علیه ظلم، قیام حضرت ابراهیم بر علیه ظلم طاغوت ها و ... مطرح می شد (مصاحبه با محمدجواد موسوی، ۱۳۸۷/۱۰/۹).

۶-۵- جلسات منزل تیمور افغانی

جلسات مذهبی منزل تیمور افغانی نیز از جمله جلساتی بود که تعداد زیادی از مبارزان و انقلابیون شهرری در آنجا با مسائل سیاسی و روز جامعه آشنا می شدند. وی در شهرری معلم بود و به طور منسجم برخی جلسات را در منزلش برای گروه های سنی مختلف برگزار می کرد. ابوالفضل نجفی در این باره می گوید: «صبح ساعت ۶ تا ۱۰ صبح برای خانم ها، آقایان و کودکان برنامه داشت، بیشتر آموزش زبان عربی، قرآن (آشنایی با معارف) بود. و خودش اکثراً آن را اداره می کرد اما از افراد دیگری مثل مرحوم حسن الهیان، بادامچیان و ... دعوت می کرد. بعد از مدتی در جریان این برنامه ها در کنارش به چاپ و تکثیر اعلامیه های امام خمینی و فعالان سیاسی مثل جامعه روحانیت یا دفاعیات محکومین پرداختیم و سعی می کردیم اینها را چاپ و تکثیر و پخش کنیم...» (مصاحبه با ابوالفضل نجفی، ۱۳۸۸/۶/۹).

سید محمدجواد موسوی نیز در باره این جلسات می گوید: «تیمور افغانی ویژگی هایی داشت؛ هم از نظر مذهبی فرد مطلعی بود و اطلاعات مذهبی اش خیلی خوب بود و هم به ادبیات عرب تسلط داشت. از طرف دیگر فردی هنرمند بود و خیلی خوب تئاتر اجرا می کرد. معلم کلاس اول بود و خیلی هم افتخار می کرد که کلاس اول را درس می دهد و تخصص کلاس اول داشت. یعنی سر کلاس که می رفت لباس های مخصوص می پوشید و سر کلاس هر درسی که

می‌خواست بگوید با یک ادا و اطوارها و سروصدای خاصی می‌گفت. عینکی هم می‌زد و سعی می‌کرد بچه‌ها را جلب کند تا درسی که می‌دهد قشنگ‌تر توی ذهنشان جا بیفتد. ما منزل آقای افغانی واقع در خیابان صفاییه نرسیده به پل سیمان و همان نزدیکی‌های پشت مسجد آقای غیوری بود، جمع می‌شدیم. آنجا یک سری درس‌های دینی مطرح بود و بعد مسائل سیاسی مطرح می‌شد» (مصاحبه با محمدجواد موسوی، ۱۳۸۷/۱۰/۲۳). در منزل تیمور افغانی یک جمع هفت یا هشت نفره حضور فعالی داشتند که عبارت بودند از: مجید معینی، مجتبی هوشیار، ابوالفضل نجفی، محمد امینی، رحمانی، محمد حاج ابوالقاسمی، سید حسن موسوی و محمدجواد موسوی.

۶-۶- جلسات دعای سمات

این جلسات در منزل آیت‌الله غیوری و در عصرهای روز جمعه برگزار و از افراد انقلابی برای سخنرانی دعوت می‌شد. ساواک در گزارشی از برگزاری جلسات شب‌های جمعه شهری در تاریخ ۴۳/۱۲/۱ می‌نویسد: «چون حسب‌الامر قرار بود از جلسات حومه شهری که هفته [ای] یکبار شب‌های جمعه تشکیل می‌شود، گزارشی به عرض برسانم، جلسه که عبارت از چهل الی پنجاه نفر از ساکنین خیابان سیمان ری به سرپرستی آقای غیوری پیش‌نماز مسجد امام حسن عسکری واقع در پل ... کارخانه سیمان و با فعالیت‌های غلامرضا طوسی کارمند کارخانه سیمان ری در هر شب جمعه در منزل یکی از ساکنین شرکت‌کنندگان برقرار می‌شود و در این جلسه به نفع آقای خمینی تبلیغ می‌شود و برای اینکه خوب بتوان از اسرار این جلسه سر درآورم یکی از منبرزادگان به نام ... امیری در آن جلسه نام‌نویسی نمود. البته من بعد به‌وسیله آن گزارش این جلسه را بسیار دقیق به عرض خواهم رساند، با تقدیم احترامات فائقه. ج. سیمانچی» (غیوری، ۱۳۸۶: ۱۸۰). در گزارش دیگری در ۴۴/۴/۱۷ درباره این جلسات آمده است: «جلسه هفتگی حومه سیمان در شب

جمعه ۱۳۴۴/۴/۱۷ و در منزل آقای عبدالمجید تاوردی واقع در شصت دستگاه کوی کارگران سیمان ری تشکیل گردید و پس از قرائت قرآن آقای سیدعلی غیوری پیش‌نماز مسجد امام حسن عسکری خیابان سیمان از رساله آقای خمینی از مکروهات و مستحبات و مباحات صحبت نموده و بعد از آقای خمینی تمجید نمود...» (همان: ۱۸۲). این جلسات هر چند با حضور تعداد زیادی از افراد تشکیل نمی‌شد اما اغلب شرکت‌کنندگان در جلسات مانند عزت‌الله خلیلی، حاج حسن قصاب و... از افراد انقلابی و مبارز بودند و کارکرد سیاسی این جلسات بسیار پررنگ بود.

نتیجه‌گیری

هیئت‌های مذهبی در جریان نهضت اسلامی، از پایگاه‌های مهم برای تجمع مبارزان، تبادل اخبار و تصمیم‌گیری‌ها بودند. پس از قیام ۱۵ خرداد و سیاسی‌شدن برخی اعضای هیئت‌ها، در الگوی سنتی هیئت‌ها، تغییرات جدیدی پدید آمد. به طوری که این تغییرات زمینه‌ای برای ایجاد یک محفل و به تدریج یک تشکل سیاسی شد. دستگاه اطلاعاتی رژیم شاه نیز با اطلاع از این امر، با گماردن مأموران خود در این مراکز سعی در جمع‌آوری اخبار و جلوگیری از اقدامات آنان داشت. این هیئت‌ها به دلیل اینکه در پوشش برگزاری مراسم مذهبی فعالیت سیاسی انجام می‌دادند تا حد زیادی از دست مأموران امنیتی رژیم مصون بودند.

در شهرری نیز با توجه به جو مذهبی منطقه، فعالیت هیئت‌های مذهبی بسیار پررنگ بود و از قدیم‌الایام جلسات و هیئت‌های مذهبی زیادی فعالیت می‌کردند. فعالیت این هیئت‌ها و جلسات متفاوت بود. برپایی برخی از هیئت‌ها محدود به ماه‌های محرم و صفر و رمضان بود؛ یعنی در این ماه‌ها تشکیل می‌شدند و بعد تعطیل می‌گردیدند. برخی دیگر در تمام طول برقرار بود. هیئت‌های نوع اول غالباً در حسینیه‌ها تشکیل می‌شدند. در این هیئت‌ها بیشتر مراسم عزاداری سالار شهیدان حضرت امام حسین (ع) و یارانش برپا می‌گردید و در آنها

بندرت جلسات آموزش قرآن کریم و احکام اسلامی برپا می‌شد، اما در هیئت‌های دائمی به‌غیر از مراسم عزاداری و روضه‌خوانی، جلسات آموزش قرآن کریم و احکام اسلامی و برنامه‌های دعاخوانی مخصوصاً در روزهای جمعه، ایام وفات و ولادت ائمه برقرار می‌شد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مساجد امام حسن عسکری، شیخ طاهر و صاحب‌الزمان و حسینیه‌های چهارده معصوم، متوسلین به حضرت موسی بن جعفر(ع) از مراکز فعال برگزاری جلسات هیئت‌های مذهبی از جمله جلسات تفسیر و قرائت قرآن بودند. وعاظ و مبلّغین مذهبی نیز از قم و تهران دعوت می‌شدند تا در مراکز مذکور سخنرانی کنند آنها با صحبت از جنایات بنی‌امیه و بنی‌عباس نسبت به ائمه اطهار و شیعیان از عملکرد رژیم پهلوی نسبت به مردم مسلمان انتقاد می‌کردند. از جمله هیئت‌های مذهبی دیگر شهر ری می‌توان به هیئت مسلم بن عقیل، هیئت ابوالفضل‌های اصناف شهر ری، هیئت قائمیه و هیئت خامس آل‌عبا اشاره کرد.

جلسات هفتگی هیئت‌های مذهبی نیز یکی از عمده‌ترین سازوکارهای مبارزه علنی محسوب می‌شد. این هیئت‌ها طبق یک رسم دیرینه غالباً به صورت هفتگی و در یکی از شب‌های طول هفته و به صورت سیار در منازل اعضا برگزار می‌گردید. قرائت قرآن، قرائت ادعیه، مداحی و عزاداری، وعظ و سخنرانی و مواردی از این قبیل جزو برنامه‌های هیئت‌ها بود. با عنایت به گرایش‌های فکری و سیاسی برخی از متولیان این گروه‌های مذهبی که غالباً از بازاریان تشکیل می‌شدند از وعاظ طرفدار نهضت برای وعظ و سخنرانی دعوت به عمل می‌آمد و از این رو به‌جرات می‌توان ادعا کرد که در این مقطع هیئت‌های مذهبی یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های تبلیغ آموزه‌های نهضت بودند. رژیم به شکل‌های گوناگون علاوه بر نفوذ به هیئت‌های مذهبی و تهدید آنها، محدودیت‌هایی نیز برای آنها ایجاد می‌کرد.

از کارکردهای مهم هیئت‌های مذهبی تربیت نیروهای جوان و انقلابی بود. به همین منظور این هیئت‌ها به مناسبت‌های مختلف از سخنرانان انقلابی دعوت می‌کردند تا در جلسات هیئت سخنرانی کنند و ساواک نیز نسبت به آنها بسیار حساس بود و آنها را تحت نظر داشت. جلسات مذهبی نیز که در منازل اهالی شهری به صورت گردشی برگزار می‌شد یکی دیگر از کانون‌های مبارزه با رژیم در ایام تبعید امام خمینی بود. پس از قیام ۱۵ خرداد جلسات مذهبی نیز از الگوی سنتی خود فاصله گرفت و تغییراتی در برنامه‌ها و محتوای سخنرانی‌های آن به وجود آمد. تعداد این جلسات در شهری زیاد بوده است. عمق اعتقادات مذهبی شهری به تشیع موجب رونق گرفتن چنین محافلی شده است. به طوری که گاهی اوقات در یک روز و در چند منزل مراسم روضه‌خوانی بود. این مراسم و جلسات در حقیقت پوششی بود برای روشن نگه‌داشتن چراغ نهضت و زنده نگه‌داشتن یاد امام، زیرا سخنرانان و وعاظ به انحاء مختلف نسبت به اقدامات ضد مذهبی رژیم موضع می‌گرفتند. در این جلسات علاوه بر قرائت قرآن، دعا و احکام اسلامی، مسائل سیاسی نیز به شرکت‌کنندگان گفته می‌شد. آنها روزبه‌روز هوشیارتر می‌شدند، به همین علت ساواک تهران از برگزاری جلسات هیئت‌های مذهبی احساس خطر کرده و به ساواک شهری دستور داده بود در مورد این جلسات تحقیق شود.

کتابنامه

الف) اسناد

مرسان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی): ش ب ۲۴۰۳۳-۴۰۷-۱۳۱۱-۴۳۰۵۱-۲۹۹۰-۱۰۳۷-۱۶۲۹.
انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۵، تهران: مرکز بررسی‌های تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.

سلیمی، حشمت‌الله، مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب

واکاوی نقش هیئت ها و جلسات مذهبی شهر ری در انقلاب اسلامی ۳۹۷

اسلامی، ۱۳۸۶.

ب) کتاب

آینه‌دار مهر؛ خاطرات آیت‌الله علی غیوری، تدوین: محمدرضا سرابندی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

خاطرات حجت‌الاسلام علی اصغر (عبدالله) جعفری اصفهانی (مرتضوی فر)، تدوین: ابراهیم عباسی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

حسام مظاهری، محسن، رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران، تهران: چاپخانه سروش، ۱۳۸۷.

خاطرات جواد منصوری، تهران: حوزه هنری؛ دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

سلیمانی زمانه، مراد، شهرری در انقلاب، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۴.

فلاحی، اکبر، محرم و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳.

هاشمی دوران مبارزه؛ کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، به اهتمام محسن هاشمی، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۷.

ج) مقالات و نشریات

مریم قاسمی، همشهری آنلاین، یکشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۲

د) مصاحبه

مصاحبه حسین کاوشی با عبدالمجید مساحتی، ۱۳۸۷/۱۰/۹ شهرری

مصاحبه حسین کاوشی با حجت‌الاسلام عبدالعلی کنی، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲ و ۱۳۸۸/۱۱/۲۹ شهرری

مصاحبه حسین کاوشی با حاج علی‌اکبر الفت، ۱۳۸۷/۷/۱۰ شهرری

مصاحبه حسین کاوشی با حجت‌الاسلام والمسلمین رمضانعلی زمانی نجف‌آبادی، ۱۳۸۷/۱۲/۷ و ۱۳۸۹/۳/۲ و ۱۳۸۷/۹/۲۳ و ۱۳۸۷/۷/۲۴ شهرری

مصاحبه حسین کاوشی با سید محمد جواد موسوی، شهرری، ۱۳۸۷/۱۰/۲۳ و ۱۳۸۷/۱۰/۹

مصاحبه مراد سلیمانی زمانه با ابوالفضل نجفی، ۱۳۸۸/۶/۹

رونوشت گزارش خبر شماره ۱۲۰۴۲۱/۱۱/۱۱ هـ. ق. ۱۲۰۴۲۱/۱۱/۱۱ منبع ۷۹۱۵

موضوع . مجلس سوگواری هیئت خامس آل عبا

مجلس سوگواری هیئت خامس آل عبا در ساعت ۱۰ مورخه ۸/۱۱/۲۰۲۱ در مسجد سیما نری برگزار گردید ابتدا مسائل دینی توسط آقای ظهیری مطرح شد و سپس حاج محمود محمودی مداح اشعار مذهبی خواند و ریایان برای زنده انبیا بیگناه و مراجع عالیقدر دعا نمود آنگاه حاج غلامعلی نعیمی دامغانی در ساعت ۲۰۳ منبر رفت وی در مورد ازدواج شروع به صحبت نمود و اظهار داشت اگر مهریه ها سنگین نبود ازدواج بصورت امروزی در نمی آمد و جوانان از ازدواج کردن هراس ندارند از طرفی قانون با بالا بردن سن ازدواج وضع بدتری را برای جوانان بوجود آورده اگر اعراب بدوی دختران خود را زنده به گور می کردند امروز بعضی دختران بعلت بی عفتی هاییکه میکنند خود را بدتر از زنده به گور شدن مینمایند و از طرفی هر کس در این تهران يك اتوبوس خرید و توی خیابان بوق میزند وزن و خرد مردم را بگمراهی میکشاند بیشتر انحرافات جوانان امروز تقصیر پدرها و مادرهاست که وظیفه خود را درست انجام نمیدهند تعمیم آباء و اجداد در ساعت ۲۱۳ منبر را ترک نمود .

نظریه ششمنه . نظریه ندارد .

نظریه یکشنبه . گزارش شنبه مورد تأیید است .

نظریه دوشنبه . نظریه یکشنبه تأیید میشود .

نظریه ۲۰هـ . نظریه دوشنبه تأیید میگردد .

اصل در پرونده کلاسه _____ است .

در پرونده کلاسه ۱۶۱۵۱۲ بایگانی شود .

سند شماره ۱: گزارش ساواک از مجلس سوگواری در هیئت خامس آل عبا شهری

۱۳۵۲/۱۱/۱۶

۰۱۱۰۴۰۲۵

خیلی محرم نه

طبقه بندی حفاظتی
گزارش خبر

درجه فوریت

۲ - منبع	۳۵۵	صفحه یکم	از	۱
۸ - منشا	مسجد ابراهیم خلیفعلی	نسخه شماره	از	۱
۹ - تاریخ وقوع	۴۹/۵/۲	۱ - ۲	۳۵۲۰	۲
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	۴۹/۵/۲	۳ - شماره گزارش	۲۰۶۸۳	۳
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عمل	۴۹/۵/۲	۴ - تاریخ گزارش	۴۹/۵/۲	۴
۱۲ - ملاحظات حفاظتی		۵ - پیوست		۵
		۶ - گیرندگان خبر		۶

۴۹/۵/۲
۳۵۲۰/۱

طبقه
بیرد

موضوع: شیخ محلاتی

در ساعت ۱۷۴۵ شیخ محلاتی بر روی منبر قرار گرفت و ابتدا مختصری از برنامه های قبل درباره حیات مطلق و حیات حیوان و انسان ام از حیات مادی و معنوی و ارتباط آن با ولایت صحبت کرد و بعد راجع به محرماتی که برای حیات ضرورت دارد بحث مفصلی نمود و در خاتمه ضمن دعا اظهار داشت خدا یا اسرائیل و کشورهاییکه بآن کمک میکنند نابود کن و در ساعت ۱۸۴۵ - بسختی خود خانه را در تعداد مستمعین در حد ۷۰ نفر بود .

نظریه شنبه - نظری ندارد .

نظریه یکشنبه - گزارش شنبه میتوان اعتماد نمود .

نظریه ۲۰ هجری - نظریه یکشنبه مورد تأیید میباشد .

در نامه ۳۳۰۰۰ مورخ ۴۹/۵/۲
به بخش ۳۳۰۰۰ واصل گردیده

در روز سه شنبه ۴۹/۵/۲
مجلس شورای اسلامی
تأیید می شود

خیلی محرم نه

طبقه بندی حفاظتی

۲۲۴۴۲

۶۶-۱۳۰



سند شماره ۲: گزارش ساواک از منبر شیخ فضل الله محلاتی در مسجد ابراهیم خلیل

۱۳۴۹/۵/۲

۰۰۴۰۷۱۹۶

خلیلی

شماره ۰۰۴۰۷۱۹۶

تاریخ ۰۱/۱/۱۹

پیوست



به ریاست ساواک تهران ۱۳۵۲

سخت گیری

از ساواک شهری سازمان اطلاعات اینتگر

س.د.د.د.د.د.

در باره سید عبدالکریم هاشمی نژاد

عطف بشماره ۱۰۰۰۵۱/۱۳۵۲-۵۱/۱/۲۰

نامبرده بالا ساکن شهری نمیباشد و در ایام محرم از طرف هیئت
خاص آل عبا بشهری دعوت گردیده بود معینا چنانچه
بازهم در این منطقه به منبر رفت طبق اوامر صادره رفتار و نتیجه
بموقع بعرض خواهد رسید .

رئیس ساواک شهری . خلیل پور

[Handwritten signature]

[Handwritten notes and stamps]

۲۱/۱/۵۲

۱۰۱۱۳

۴۶-۱۱۵

سند شماره ۴: گزارش ساواک شهری از منبر عبدالکریم هاشمی نژاد در هیئت خامس آل عبا

۱۳۵۱/۱/۱۹

درجه فوریت
طبقه بندی حفاظتی
گزارش خبر

- ۷- منبع ۲۸/۶/۳
- ۸- منشأ انجمن جوانان مسجد ابراهیم
- ۹- تاریخ وقوع اختیاری
- ۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع ۴۸/۶/۴
- ۱۱- تاریخ رسیدن خبر برهمه عملیات محل ۴۸/۶/۵
- ۱۲- ملاحظات حفاظتی

صفحه یکم از ۳ صفحه
 نسخه شماره ۱ از ۲ نسخه
 ۱- به ۳
 ۲- از ۳
 ۳- شماره گزارش ۱۵۳۱۷/۲
 ۴- تاریخ گزارش
 ۵- پیوست
 ۶- گیرندگان خبر ۴۸/۶/۹

موضوع: انجمن جوانان مسجد ابراهیم خلیل .
عطف
پیرو

اخیرا انجمنی بنام بالا تحت سرپرستی سید ابوالقاسم موسوی پیشنماز مسجد ابراهیم خلیل در شهرری تشکیل گردیده که هر هفته در مسجد مزبور تشکیل و گویندگی این جلسه را در حال حاضر شیخ ابوالقاسم خزعلی عهده دار میباشد اعضاء اصلی این جلسه که در ضمن بانجمن مذکور از نظر مالی نیز کمک هائسی مینمایند عبارتند از سید ابوالقاسم موسوی ، غلامرضا اریناهی ، حاجی بختیاری ، حاجی عزیزنژاد ، رسولی و ابراهیمی که این افراد همگی ساکن کوی اقدس سیه شهرری میباشد %

ملاحظات :

نظریه منبع = نظری ندارد .

نظریه رهبر عملیات = نظری ندارد .

نظریه ۳۵۲ = نظری ندارد .

تاریخ ثبت خبر: ۱۳۴۸/۶/۴
۱۱/۶

در ساعت ۸ روز ۱۱/۶/۴۸
به بخش ۱۵ واصل گردید

تاریخ محرمانه
طبقه بندی حفاظتی